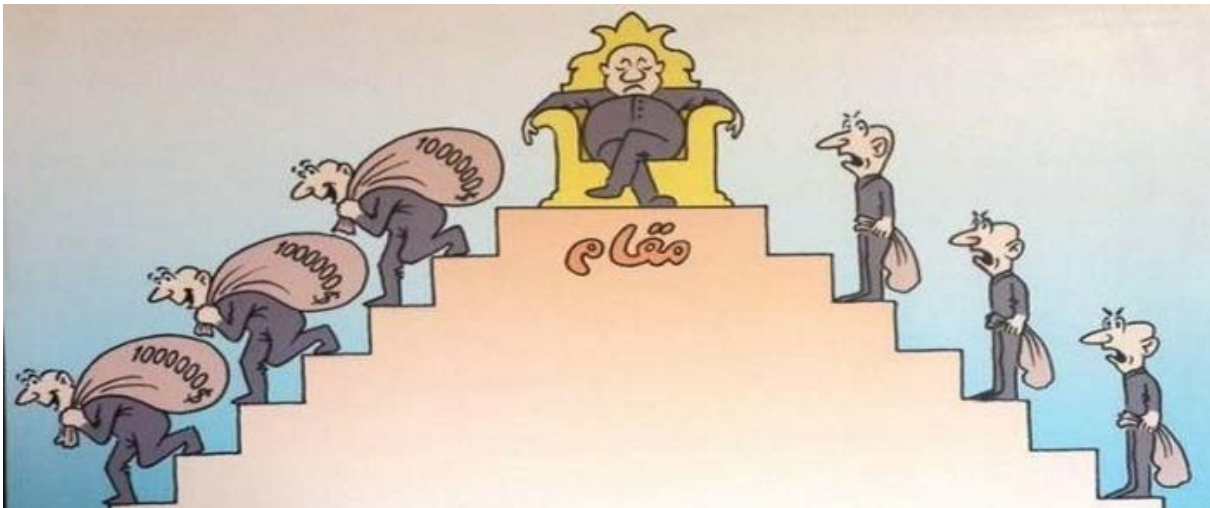


خدا را شکر که بیگانه بیدار است ! تغییر شخصیتها یا دیگرگونی شاخصها ؟



ببویسته به گذشته بخش یکصد و هجده هم :

دوستان عزیز! چنانچه از شما مصرانه خواسته بودم تا یادداشت های اخیرم را حتماً و با تأمل بخوانید، اکنون دنباله آن حکایت را باهم می خوانیم اما نه میتوان بر یک حقیقت روشن علمی و فلسفی در حیات بشر بویژه در جامعه جنگزده افغانستان چشم پوشید که از دیر بدینسو جرائم فساد و استبداد در خون فرد فردی از روشنفکران جهان منجمله افغانستان به مشاهده میرسند . زیرا می بینیم که امروز قدیمی ترین دسته های از مبارزان راه عدالت و آزادی با وداع با ایدئولوژی های عدالت پرور انسانی که گویا بشر امروزی در روزگاری و در عصری زندگی میکند که دیگر نه باید واقعیت های زمان ما را از عینک ایدئولوژی بنگرد نا چار در دام کانگسترهای " سیا " سی غوطه میخورند .



از اینکه ایدئولوژی چگونه شدن و چگونه رفتن را حکم میکند و نه تنها استعداد و نیرو و هنری دارد که میتواند بزرگترین تمدنها و فرهنگ ها را پی بریزد بلکه بنیاد همه نهاد های اجتماعی و تاریخی پدیده ها و حوادث و حرکت ها در تاریخ انسان- در قلمرو تمدن های بزرگ ایدئولوژی و احکام ایدئولوژیک است . اما اکنون و در عصر حاضر برای اینکه همرنگ جماعت باشند با آسانی و با تغییر قیافه در میدان معامله حضوری یابند ، و در صف مردان حقیر و " ریا " ست طلب این جماعت با دل آرام و قلب مطمئن مافیائی بقدری سقوط میکنند که آن هم شاهکارهای دوره ایدئولوژیک مبارزاتی را در بدل چند دینار و دالری قربانی میسازند . سوال اینجاست که چگونه ممکن است پیرامون سرنوشت انسان ساکن در جامعه بشری تصمیم بگیریم و قبل از اینکه سرشت ، هویت و جوهر نیازهای اصلی انسان در جامعه شناخته شود مکتبی راه و روشی برای تداوم زندگی اوتعیین کرد ؟ به هر صورت از این حرف ها و احادیث که بگذاریم در طی پانزده سال تمام حاکمیت " ولایت مافیائی " بر افغانستان ، ده ها نهاد و دفتر و دستکی و تشکیلاتی بنام مبارزه با فساد قَد علم کردند و میلیونها دالر

هزینه نمودند با تأسف و دریغ که در راه امحای فساد عمومی جامعه افغانستان اندکترین تأثیری به جا نگذاشته است.

میگویند شخصی را مأمور کرده بودند تا گرگ درنده ای را که به اهالی روستا حمله میکرد شکار کند و او نیز هرچه بر گرگ شلیک میکرد به گرگ نه میخورد ، فقط مقداری از پشم چرک آلود اش بر زمین میریخت ، یکی از روستایان با تعجب پرسید ، بالاخره ما نه فهمیدیم در تفنگ ات گلوله گذشته ای یا صابون ؟

<https://www.youtube.com/watch?v=Lrrerwzo72A>

راستی چرا چنین است ؟ وقتی سخن از عوامل و زمینه های فساد در جامعه مطرح است چه کسی نه میداند که سران مافیا قلباً نه میخواهند تا با شیوه درست و ساختاری علیه فساد مبارزه صورت گیرد . زیرا بزرگترین ارزشهای انسانی که انسان بودن بر آن آغاز می گردد " امکان نفی و عصیان اند . که لزوماً در برابر حوادث واقیعت های موجود بگوید **نه** ! با دریغ و تأسف که این مروارید گرابها را به قیمت بسیار اندکی از دست داده اند و آنها را معتاد بر زندگی روزمره تجملی و مصرفی ساخته اند زیرا به قول سارتر آدم در زندگی نخستین چیزی را که ویران میکند ، عصیان است که گاهی بخاطر قسط یک باب حویلی ، یا یک عراده موتر که قرضه گرفته است یا یک رتبه مأموریت دیگر نه میتواند از جایش تکان بخورد ، هر بدبختی که بالا ایش بیاورند باید بگوید " بلی آقا " چشم !



نه میتوان با دیدن این وضعیت تاروتاریک که همچون قوم بنی اسرائیل وقتی بالای آنان عذاب نازل گشته بود هرچه راه میرفتند به منزل نه میرسیدند و برنکته ای که راه آغازیده بودند می چرخیدند !! خاموش ماند و حرفی نه گفت ! بدون شک امروز در جامعه ما دچار فقدان عدالت و نقشه راهی هستیم که به تناسب ظرفیت های طبیعی قلمرو جغرافیای ما با عقل جمعی بومی افغانی بصورت پویا و دینامیک تدوین یافته باشد . نه آنکه حتی مسؤل ترین مقامات ما که در امر تدوین قانون گزاری وظیفه خطیری را بردوش دارند در برابر مافیای قدرت خاموشی اختیار کنند . هرچند در یادداشت های قبلی خود نیز به حضور حنیف خان اتمر جانباز معرکه خونین جلال آباد در پارلمان افغانستان اشاره نموده ام اما اکنون نیز بدون تبصره بر آن بصورت مختصر خدمت تان تقدیم میگردد تا دریابید که چگونه وی از روزانه مبلغ ۱۲۰۰۰۰۰۰ میلیون دالر کمک های امریکا وسائر کشورهای کمک دهنده که وی امضاًکننده موافقتنامه های امنیتی با آنها بوده است سخن میگوید ؟



البته آقای حنیف خان اتمر نه گفت که چرا آنها برای افغانستان این مبلغ بزرگی را کمک میکند؟ و از کشور فقیری چون افغانستان چه میخواهند تا بدست آرند؟

<https://www.youtube.com/watch?v=2XG13SzDLuU>

یکی از عوامل اصلی و اساسی که در نا موفق بودن مبارزه علیه فساد نقش داشته است همانا معیار تغییر در شخصیت ها است نه تغییر در شاخص ها! که متأسفانه هرباری که گروه بندی های سیاسی و تیپ های فکری مختلف در جامعه نتوانند هزینه های زندگی روزمره تجملی تحمیل شده را تکافو کنند دست به گدائی و قمار سیاسی میزنند.

خدارا شکر که بیگانه ها بیدار اند!

میگویند با توجه به وضعیت خراب اقتصادی دنیا و استقرار حکومت های قانون مدار در کشورهای جهان از دیر بدینسو جامعه جهانی شیردهن های اصلی کمک به افغانستان را بصورت کامل قطع و یا هم نیمه بسته اند از اینرو برخی خرپولهای بی درد و تنبل برای تکافوی مصارف و هزینه های زندگی روزمره تجملی تحمیل شده را تکافو کنند بروز روشن و واضح همچون معتادان روانی مشغول تأسیس احزاب و جبهات و دفتر و دستکی شده اند تا اگر دوباره " باران رحمت الهی!!" بیارد و چشمه های دالری را که از خزائن غائبانه شبکه های شریفه جاسوسی و استخباراتی دنیا سرازیر می شدند، بسیار جالب و شگفت انگیز است که هریکی از سران این مافیای معتاد بر دالر بدون آنکه فاصله فکر و اندیشه اش را به عنوان انسانهای رسالتمند با ریسمان های که از سوی شبکه های جاسوسی در میدان " سیا " ست به نمائیش گذاشته میشوند اندازه گیری کنند بصورت کاریکاتوری در تمامی دسته ها و جزائر آلوده قدرت مافیائی حضور پیدا میکنند. تا برویت محاسبات فقط مادی شان مصارف ماهیانه تحمیل شده بر خود را تا سرحد کفایت برسانند. جالب آنجاست که وقتی هریکی از رجال مافیائی که در دام تحقیر و ذلت افتاده اند در مؤقیعت عالی با گرفتن حقوق ماهیانه بیست تا پنجاه هزار دالر توفیق حاصل کنند، دیگر هیچگاه و با هیچ بهای نه میگذارند تا این گاؤ شیری را از دست دهند. قبلاً نیز به این نکته بسیار مهم و اساسی اشاره نمودیم که وقتی به جایی شاخص ها و تغییر بنیادی و ساختاری در آن بر تغییر رجال و شخصیت ها تکیه صورت گیرد طبیعی است که بر میزان صداقت و خلوص و انگیزه های رجال نیز نباید حساب باز کرد زیرا در این فرایند عناصر و مؤلفه های پراکنده رجال و شخصیتها را در دو وجه معیوب یعنی «**معامله و رابطه**» باید جستجو نمود که هیچ یکی از آن با اقتضای عصر کنونی برابری نه میکنند. ادامه دارد.

